روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۲:۰۶ اذان مغرب ۱۷:۲۰ اذان صبح فردا ۵:۲۴ طلوع آفتاب ۷:۱۴

روزنامه شرق

یکشنبه ● ۸ دی ۱۳۹۲ ● ۲۶ صفر ۱۴۳۵ ● ۲۹ دسامبر ۲۰۱۳ ● سال یازدهم ● شماره ۱۹۱۷ ● ۱۶صفحه

«کیارستمی» در رونمایی کتاب «داریوش شایگان»

شرق: امروز یکشنبه هشتم دی، ساعت ۱۷ کتاب «در جست‌وجوی فضاهای گمشده» به قلم داریوش شایگان در محل نشر فرزان‌روز رونمایی می‌شود. در این مراسم بناست عباس کیارستمی، کارگردان و دکتر ایرج پارسی‌نژاد، منتقد درباره این کتاب صحبت کنند. نشر فرزان‌روز در خیابان شهید لواسانی (فرمانیه)، جنب در جنوبی فروشگاه شهروند، شماره ۱۰۳ واقع شده است. داریوش شایگان فیلسوف معاصر ایرانی است. غالب آثار شایگان به زبان فرانسه و در حوزه فلسفه تطبیقی است.

زاویه دید

آلودگی زبان فارسی!

نورالدین زرین‌کلک

● با وجود موضوعی که این‌روزها توجه عمومی - حتی دولتیان- را به خود معطوف کرده است؛ ما ملت چنان در آلودگی‌های مختلف گرفتار شده‌ایم که جا دارد عمیقا به یک‌یک آنها بپردازیم. بی‌شک یکی از رایج‌ترین و قدیمی‌ترین این آلودگی‌ها آلودگی زبان و سخن فارسی است.

یکی از تبعات خوب انقلاب در ایران، وجه بیداری و خودآگاهی‌ای بود که هدف شریف آن بازگشتی بود به خود و جبران خود باختگی‌های افراطی که در برابر فرهنگ‌های بیگانه دچارش شده بودیم. محصول این نگرش روییدن و بالیدن نسل آگاه و فرزانه‌ای است که هم‌اینک دوران کمال را می‌پیمایند و ما هرکدام دوروبرمان نمونه‌های آنها را می‌بینیم که امیدمان را به آینده زنده نگاه می‌دارند.

اما همچنان که این نسل فرزانه مشغول زیرسازی بنای آینده هستند، به‌موازات آنها جریان دیگری در حال رشد و نمو است که درست برخلاف جهت جریان اول در حرکت است و اسباب نومیدی بسیار و آن زبان و ادبیاتی است که از سوی دهات، روستاها و حاشیه‌نشینان شهرها به سمت مراکز شهری جریان دارد و متاسفانه نیروی ویرانگری دارد که مقاومت فرهنگی در برابر آن بسیار دشوار بل ناممکن است چرا که نسبت این جریان به جریان اصیل اول مانند سیلی بنیان‌کن به جویی باریک است.

مثال‌هایی مصداق این نوشتار است که در زیر می‌آورم:

الف- به کسی که تازه و شاداب از خواب برخاسته است گفته می‌شود «خسته نباشید»!

ب- به پسربچه ۱۰، ۱۵ساله خطاب می‌کنند «حاجی»!

ج- کلماتی مانند ننه، داداش، آبجی، جای مادر، برادر و خواهر را گرفته است!

اگر به دیالوگ‌های جاری پیرامون خود در کوچه و خیابان، بین مغازه‌دار و مشتری، راننده و مسافر و

مردم و ماموران یا کارمندان دولت گوش کنیم متوجه سقوط گفتمان از سطح مدنی به وضعیت فعلی می‌شویم (کسانی که دوران پیش از انقلاب را درک کرده‌اند به‌خوبی این تفاوت را حس می‌کنند؛ اما از خواننده زیر ۴۰سال توقع چنین مقایسه‌ای نیست)!

اگر نخواهیم چشم بر بی‌گناهی مردم کوچیده از دهات و روستاها به شهرها و نیز صعود قشرهای کم‌سواد و پایین‌دست جامعه به سطوح بالای ادارات بپوشیم، مسلم و بدیهی است سازمانی که در مورد این سقوط بیشترین مسوولیت را برعهده دارد مدیران صداوسیما هستند، مگر اینکه منکر این حقیقت شویم که «تلویزیون دانشگاه مردم عامی است.»

اینک از خود بپرسیم در برابر این پدیده ناهنجار فرهنگی - اجتماعی وظیفه یک‌یک ما و یک‌یک دستگاه‌های مسوول و دلسوزان فرهنگی چیست؟

آیا یادداشت‌های کوچک و کوتاهی مثل این می‌تواند درمانی اساسی باشد؟

یا باید امیدوار به یک عزم ملی و خیزش جدی و اثرگذار در تمام سطوح ملی و دولتی باشیم و به‌جای مدیران کم‌سواد و نامتخصص، مدیران صاحب فرهنگ و بینش به‌کار گماریم؟ و اینکه آیا نباید برای این آفت هم مثل آفت‌هایی از قبیل آلودگی هوا، برنامه‌های کوتاه، میان و درازمدت پیش‌بینی کنیم و پیگیرانه آن را به اجرا بگذاریم؟

فراسو

جای خالی «روزنامه» در سفر

مجید تفرشی

از آنجایی که کلا آدم کثیرالسفری هستم و روزنامه‌خوانی هم بخش جداناشدنی از زندگی من است، طبیعی است به هر جایی از جهان که می‌روم، یکی از محورهای اصلی توجهم، به این محصول بی‌بدیل روزانه فرهنگی و خبری است. در این میان، واضح است که به‌دلیل علایق ملی و تعدد سفر به ایران، توجهم به روزنامه‌های ایرانی باید بیش از مطبوعات دیگر کشورها باشد. تجربه من در طول دست‌کم ۱۰سال گذشته این است که وقتی در پروازهای داخلی و خارجی، از خطوط هوایی ایرانی استفاده می‌کنید، باید بدانید هواپیمایی در کنترل مجلات و روزنامه‌های دست‌راستی و اصولگرا و در خوشبینانه‌ترین شکل، نشریات بی‌موضع و به‌اصطلاح ایرانی «زرد» است. توقع اینکه همانند اغلب خطوط هوایی جهان، در طول پروازهای داخلی و خارجی، نشریات متنوع از دیدگاه‌های مختلف در اختیار شما قرار داده شود، توقعی بیجا و تحقق‌نایافتنی است. از نمونه استثنایی روزنامه دنیای اقتصاد که بگذریم، همه نشریات ارایه‌شده در خطوط هوایی ایرانی، از نشریات اصولگرا یا نشریات کم‌مخاطب کم‌محتواست. از اواخر عمر دولت خاتمی گرفته تا دوران هشت‌ساله دولت احمدی‌نژاد و همین چند ماه اخیر دولت روحانی این روند مستحکم و پابرجا بوده و تغییری هم در آن ایجاد نشده است. به نظر می‌رسد که سیاست گزینش نشریات برای ارایه در خطوط هوایی ایرانی، صرفا بر اساس گزینش سیاسی و خطی یا برمبنای رانت و پارتی‌بازی است و ارزش محتوایی یا تلاش برای ارایه نشریات متنوع با کیفیت بالاتر در این گزینش دخالت چندانی ندارد. این سیاستگذاری و گزینش به حدی نهادینه شده که حتی پس از تغییر دولت و مسوولان نیز روند یک دهه گذشته همچنان بی‌وقفه و بی‌تغییر ادامه دارد. نیازی به توضیح نیست که عرضه روزنامه در طول سفرها، یکی از راه‌های جدی درآمدزایی نشریات بوده و هست که در وضعیت دشوار اقتصادی کنونی، می‌تواند از روش‌های جدی کمک به بقا و استمرار نشریات مستقل باشد. بسیار پیش آمده که نشریه‌ای را مکرر در طول سفر با خطوط هوایی ایرانی دیده‌ام، ولی به‌ندرت آن را در روزنامه‌فروشی‌ها مشاهده کرده‌ام و هیچ‌کس را هم ندیده یا نشنیده‌ام که مشتری‌شان باشد. از این‌رو، به نظرم آمده که متولیان گزینش نشریات برای ارایه در طول پروازها یا از درک کمی نسبت به انتخاب نشریات کیفی از طیف‌های مختلف برخوردارند یا انتخاب آنان مبنای نامتعارفی دارد.

نکته دیگر این است که روزنامه و مجله، نه‌تنها بخش لاینفکی از زندگی و کار روزانه فرودگاه‌های جهان است، بلکه به‌طور همزمان و گاهی حتی زودتر از بقیه نقاط کشور توزیع و عرضه می‌شود. برای من پیش آمده که صبح خیلی زود در بدو ورود، نشریه یا روزنامه‌ای را از فرودگاه خریده‌ام و پس از عزیمت به مرکز شهر متوجه شده‌ام که هنوز این شماره از نشریه در دکه‌های داخل شهر توزیع نشده است. به‌جز فرودگاه بین‌المللی تهران -چه در زمان فعالیت فرودگاه بین‌المللی مهرآباد و چه پس از گشایش فرودگاه امام(ره)- هیچ فرودگاه بین‌المللی‌ای را در جهان نمی‌شناسم که کلا خبری از یک روزنامه‌فروشی جدی در آن نباشد. جالب اینجاست که پیش از این و در زمان فعالیت خارجی فرودگاه مهرآباد، در بخش داخلی فرودگاه، دو، سه روزنامه‌فروشی در سالن اولیه و یکی، دو تا در سالن ترانزیت وجود داشت و دارد، حال آنکه در بخش خارجی آن فرودگاه، هیچ خبری از این موارد نبود. امروزه همه فرودگاه‌های کوچک و بزرگ جهان دارای چندین مرکز روزنامه‌فروشی و ارایه کتاب در بخش‌های مختلف ورودی، خروجی و ترانزیت خود هستند. ولی اگر شما یک روزنامه‌فروشی یا کتابفروشی آبرومند در فرودگاه بین‌المللی تهران یافتید سلام مرا برسانید. در این فرودگاه که روزگاری آرزو داشت محور تردد مسافران خاورمیانه، خلیج‌فارس و آسیای مرکزی باشد، خبری از روزنامه‌فروشی معمولی نیست. یکی از دکه هایی که به فروش برخی اقلام لوکس یا خوراکی اختصاص دارد، چند کتاب شعر و فال و چند تا سی‌دی موزیک و گاهی، فقط گاهی، چند نسخه از روزنامه همشهری را برای فروش گذاشته است. فروشنده آن نیز در پاسخ به سوال افراد سمجی همچون من ابایی ندارد بگوید که در این فرودگاه روزنامه عرضه نمی‌شود و البته از جدیت و سوال‌های مکرر امثال من هم متعجب می‌شود. وقتی که مسوولان شرکت‌های هواپیمایی داخلی، حتی بی‌توجه به تحولات و تغییرات سیاسی کشور، فقط به ارایه نوعی خاص از نشریات در پروازهای داخلی و خارجی خود می‌پردازند و همچنین متولیان ویترین و پنجره جغرافیایی و فرهنگی ایران، یعنی بزرگ‌ترین فرودگاه بین‌المللی کشور، از ارایه مطبوعات، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین محصولات مستمر فکری و فرهنگی کشور خودداری می‌کنند، می‌توان نتیجه گرفت که برخورد کلی مسوولان با رسانه‌های مکتوب چندان که باید، جدی و محترم نیست.

آینه

آقای روحانی پیشنهاد شما چیست؟

شاهین امین

«دانش‌آموزان ما باید بتوانند ضمن شناخت حقوق خود در جامعه از آن دفاع کنند و لازمه این امر ایجاد بسترهای مناسب برای آشنایی آنها به حقوق شهروندی و امکان نقد سالم و سازنده در کلاس‌های درس است.» اینها سخنان رییس‌جمهور محترم در جمع معاونان و مدیران استانی وزارت آموزش‌وپرورش است؛ سخنانی که قطعا باعث شعف و اگر محقق شود بانی رشد و توسعه همه‌جانبه کشور است. همه می‌دانیم مهم‌ترین حق انسان و شهروندی حق حیات است. حق نفس‌کشیدن در هوای پاک، حق بهره‌مندی از آب و خاک سالم. در ۱۰روز گذشته شهرهای تهران، کرج، مشهد، اصفهان و تبریز برای چندمین بار در عرض سه‌ماه و مطابق سالیان گذشته در وضعیت اضطرار قرار گرفتند. وضعیت اهواز و اراک هم که معلوم است. جناب آقای حسن روحانی به‌نظر شما که به حق حامی نقد سازنده و حقوق شهروندی هستید اکنون برای استیفای حق تنفس سالم و بهره‌مندی از هوای پاک چه باید کنیم؟ باید از مدیران دولتی، استانی و شهری ۲۰سال گذشته که به این مهم بی‌توجه بودند یا درگیر منازعات بی‌ثمر بین‌بخشی شدند طرح دعوی حقوقی کنیم؟ باید از خودروسازان شکایت کنیم؟ از کیفیت سوخت بنالیم؟ تمام روسای سازمان حفاظت محیط‌زیست را مواخذه کنیم؟ اما این شکایات چه فایده‌ای دارد؟ قطعا هر نتیجه‌ای داشته باشد منتج به رویت آسمان آبی و تنفس هوایی پاک نمی‌شود. مطالبه امروز شهروندان نگران و در معرض خطر، هوا، آب و خاک سالم است. آقای روحانی می‌دانم که دوران ریاست‌جمهوری شما هنوز به پنج‌ماه نرسیده اما شما ۲۱سال رییس مرکز تحقیقات استراتژیک بودید. قاعدتا مشکلات و بحران‌های زیست‌محیطی از مواردی بوده که در آن مرکز مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است، پس بی‌جا نیست که از شما توقع واکنش و برنامه‌ای دقیق، سریع و زمان‌بندی شده داشته باشیم؛ برنامه‌ای که هم وظایف مردم، مدیران دولتی و شهری، صاحبان صنایع در آن مشخص شده باشد و هم جرایم و مجازات‌های تخطی از آن معین. برنامه‌ای که همگان باید هزینه آن را بپردازیم. آقای روحانی، رییس‌جمهور محترم همان‌طور که چندی پیش نوشتم نمی‌دانم این یادداشت‌ها را بریده جراید روزانه برای شما ارسال می‌شود یا نه؟ در هر صورت بسیاری امروز آماده استیفای حق تنفس در هوای پاک هستند اما پیشنهاد و برنامه شما به‌عنوان رییس‌جمهور، حقوقدان و حامی حقوق شهروندی چیست؟

کیوان زرگری
keyvanzargari@yahoo.com

کارتون خواب

برداشت آخر

«رامبد جوان» توضیح می‌دهد

آیا پیامک «ارتباط مستقیم با...» به شما هم رسید؟

سعید برآبادی

یک روز پیامک آن محموله سکه‌های زیر خاکی معروف شد، روز بعد پیامک آن دختر یکه و تنها روی بورس آمد که برای تحصیل به تهران آمده بود و طفلک جایی را برای زندگی نداشت! جدا از این پیامک‌های کلاهبردارانه، پیامک‌های تبلیغاتی هم که دیگر جای خود را دارند؛ «شما آنقدر خوش‌شانس هستید که یک لپ‌تاپ برده‌اید!»، «صبح ناشتا، شما اولین برنده ما هستید!»، «قبل از خواب دیکشنری آلمانی داشته باشید» و... حالا اما چند وقتی است که یک پیامک تازه دست به دست می‌چرخد؛ پیامک «ارتباط مستقیم با بازیگران» که اول مشکوک می‌زند اما بعید هم نیست راست باشد!

نمونه رسیده به دست «شرق»، پیامکی است که از همراه اول با شماره ۲۰... فرستاده شده است. در متن پیامک هیچ توضیح اضافه‌ای نیست، نه خبری از بازی هست و نه خبری از تبلیغات. همه چیز در یک جمله کوتاه و خلاصه آمده: «ارتباط مستقیم با رامبد جوان با ارسال عدد... همراه با روزانه یک‌میلیون‌تومان جایزه.» قبل‌ترش هم درباره «پژمان جمشیدی گوهر شناخته‌شده ورزش و تلویزیون... .» ذهنیت از پیش‌آماده مخاطب، حکم می‌کند که این پیامک هم مثل هزاران پیامک دیگر که هر روز حریم شخصی ما را وقت و بی‌وقت سوراخ می‌کنند، چیز بی‌خودی باشد و البته دروغ! اما وقتی که همین موضوع را با رامبد جوان مطرح می‌کنیم، در عین ناباوری ما، موضوع را تایید می‌کند: «این پیامک در واقع، حاصل یک توافق سه‌طرفه میان همراه اول، یکی از زیرمجموعه‌های شرکت‌های امواج رادیویی این اپراتور و بنده به‌عنوان کسی است که نامش در پیامک آمده و به هیچ عنوان نه شوخی است و نه جنبه کلاهبرداری دارد.»

جوان توضیح می‌دهد که این شرکت، روزانه به صورت تصادفی به ۳۰۰هزار شماره موبایل، همین پیامک یا دیگر پیامک‌های مشابه در مورد بازیگران را ارسال می‌کند و اگر افرادی مایل به تایید آن باشند در کلوپی وارد خواهند شد که می‌توان نامش را کلوپ هواداران آن بازیگر خاص گذاشت. اما چه فایده‌ای دارد، فرستادن پیامک تایید برای چنین کلوپی؟ جوان می‌گوید: «بر اساس قراردادی که بسته شده، در یک روز خاص از من نوعی درخواست می‌شود در مکان خاصی حضور داشته باشم تا به پیام‌هایی که از طریق هواداران عضوشده در این کلوپ ارسال شده پاسخگو باشم. من به هر کدام از این سوال‌ها که بخواهم جواب می‌دهم و این جواب‌ها هم برای اعضای کلوپ ارسال می‌شود. البته برنامه شخصی من این است که به جای پرداختن به این سوالات شخصی، هوادارانم را به سمت فعالیت‌های گروهی و فرهنگی ببرم، مثلا ساخت یک داستان کوتاه با آنها.»

شاید برای آنها که دسترسی‌شان به اینترنت معقول باشد، هزینه پیامک‌های صدتومانی برای دانستن چنین مسایل خصوصی بازیگر مورد علاقه‌شان، کار بیهوده‌ای باشد اما رامبد جوان می‌گوید که در شهرستان‌ها یا مناطقی که وضع اینترنت خوب نیست، استقبال از ورود به چنین کلوپ‌هایی بالاست، علاوه بر اینکه به صورت غیرمستقیم، این بازیگر تایید می‌کند که درآمدزایی شخصی خودش یا هر چهره‌ای از انجمن بازیگران که در این بازی پیامکی شرکت می‌کند، مقاصد خیریه دارد.

با وجود توضیحات جوان، دغدغه ورود این پیامک‌ها به حریم خصوصی افراد همچنان باقی است. محمدعلی یراحی، کارشناس امواج رسانه‌ای به «شرق» می‌گوید: «بر اساس قانون، اپراتورهای تلفن همراه حق ارسال تصادفی پیامک به شماره‌های زیرمجموعه خود را دارند و اگر منظور شما از حریم خصوصی، انتقال شماره تلفن همراه شما به شرکت‌های تبلیغاتی است که باید بگویم این کار به لحاظ قانونی مشکل دارد اما خود اپراتور می‌تواند بر اساس توافقنامه‌ای حق ارسال پیامک‌هایی از این دست که جنبه فرهنگی- تبلیغاتی دارند را به شرکت‌هایی واگذار کند.» او همچنین یادآور می‌شود که هر اپراتور شماره‌ای را برای گزارش تخلفات در نظر گرفته و اگر کسی نسبت به یک ارسال‌کننده خاص و تبلیغاتی اعتراضی داشته باشد، می‌تواند شماره مورد نظر را به این بخش ارسال کند.

از هر نظر بی‌ضرر

چه حزبی؟ چه کشکی؟

پوریا عالمی

● وزارت کشور اعلام کرد که هفته آینده، ۱۴دی، نخستین نشست هم‌اندیشی وزیر کشور با دبیران کل احزاب برگزار می‌شود. (خبرگزاری‌ها) یکی از آگاهان گفت: «خیلی باحاله. ولی چه حزبی؟ چه کشکی؟ چه پشمی؟» کارشناسان معتقدند با توجه به اینکه الان حزب درست‌ودرمانی توی کار نیست، دانشمندان تا هفته آینده چند دبیرکل اختراع کنند. برای پیشبرد اهداف مدنی، سازمان ثبت اختراعات نیز قول همکاری داده و گفته ما دبیرکل‌های اختراعی دانشمندان را در عرض سه‌ثانیه ثبت می‌کنیم. سازمان میراث‌فرهنگی نیز اعلام آمادگی کرده که بعد از ثبت دبیرکل‌های اختراعی سریعا مجوز تغییر کاربری چند حمام و سربینه تاریخی را به حزب اعلام کند. میراث فرهنگی گفت چون اصولا حزب جایی است که اعضای آن صابون الکی به دلشان می‌مالند، در حالی که خبر ندارند باید کیسه کشیده شوند و پاک شوند، پس بهتر است از ابتدا احزاب در حمام‌ها و خزینه‌ها را ثبت و نگهداری کنیم. یکی از دباغ‌های کف بازار چرم نیز اظهار کرد: «گذر پوست و حزب- هردو - به دباغ‌خانه می‌افتد.» این دباغ پیشنهاد کرد: «برای بهتر نتیجه‌گرفتن این نشست، هم‌اندیشی احزاب در دباغ‌خانه انجام شود تا حساب کار دستشان بیاید.» همچنین یک کارشناس غذاهای سنتی گفت: «کار حزبی شبیه آشپزی است. آن هم آشپزی آشی که معلوم نیست چرا روش یک وجب روغن است.»

وی تاکید کرد: «این آش، که یک‌وجب روغن هم روش است، اصولا آش کشک خاله است و اعضای حزب چه بخورند، چه نخورند به پایشان نوشته می‌شود.» سازمان نوسازی نیز گفت: «ما پیشنهاد می‌کنیم احزاب را نوسازی کنیم. یعنی حزب‌های قدیمی را به عنوان بافت فرسوده با بولدوزر صاف کنیم و جاش آپارتمان بسازیم.» همچنین کشور چین با طرح این موضوع که «همه‌جای ایران Made in چین من است» اعلام آمادگی کرد که با ارسال احزاب چینی نشست ۱۴دی را به‌صورت پروپیمان و دست‌کم با ۶۰۰حزب برگزار کند.

پاسخ به فراخوان

تهدیدی که جدی گرفته نمی‌شود

آناهیتا نعمتی

● تهران، به‌عنوان یک کلانشهر با معضلات فراوانی روبه‌روست. مثلا چند سال قبل مساله آب و فاضلاب تهران هم مطرح شده بود که به مرور زمان حل‌وفصل شد یا مثلا معضل ترافیک یا گازرسانی و... اما همه با گذشت زمان در حال برطرف‌شدن هستند. تهران، شهری نیست که با توجه به اکوسیستم جاری در آن، ظرفیت این‌همه تردد را در شبانه‌روز داشته باشد، برای همین باید فکری اساسی کرد. عجیب است روزهایی که آلودگی خیلی حاد است، فقط دبستانی‌ها تعطیل می‌شوند، اینطور وقت‌ها باید از مسوولان پرسید که مگر دبیرستانی‌ها و دانشجوها ریه ندارند یا پدربزرگ و مادربزرگ‌های ما در معرض این هوای آلوده نیستند که ماجرا تنها با تعطیل‌شدن دبستان‌ها ختم می‌شود؟ من برای دختر دبستانی‌ام، انواع و اقسام ماسک‌ها را خریده‌ام. به فرض که او در خیابان ماسک بزند، آیا در مدرسه هم باید ماسک بزند تا در معرض هوای آلوده نباشد؟

این نکته مهم است که وقتی هواشناسی وضعیت هوا را وخیم توصیف می‌کند، حتی طرح زوج‌وفرد، دردی را دوا نمی‌کند. با افتتاح تونل و اتوبان طبقاتی صدر، می‌شد فهمید که مسوولان به فکر وضعیت تهران هستند اما باید از آنها خواست تا رسیدگی به وضعیت آب‌وهوا را هم در اولویت برنامه‌های‌شان قرار دهند. باید فکری به حال خودروهایی کرد که روزبه‌روز هم به شمارشان افزوده می‌شود. در طول ماهی که گذشت من و بسیاری از اطرافیانم، سردردهای مکرری را تجربه کردیم. به همین دلیل فقط می‌توانم از مسوولان استدعا کنم، فکری به حال وضعیت وخیم هوای تهران کنند. تنها بخشی از اخبار تلفات ناشی از آلودگی هوا به گوش شهروندان می‌رسد. در بین سینماگران، استاد انتظامی عزیز دچار همین ناراحتی تنفسی به دلیل حجم بالای آلودگی شدند و ژیلا مهرجویی به گفته آقای مهرجویی به دلیل همین آلودگی درگذشت. هریک از این اتفاق‌ها، زنگ خطری است برای مسوولان تا این موضوع را جدی‌تر بگیرند. مسلما خانواده‌های آنها هم در معرض خطر این آلودگی هستند و این خطری است که همه ساکنان تهران را تهدید می‌کند. در این مواقع، من هم به‌عنوان یک شهروند خودم را در برابر این وضعیت مسوول می‌دانم و سعی می‌کنم از وسایل نقلیه عمومی بیش‌تر استفاده کنم و با خودرو تک‌سرنشین کمتر تردد داشته باشم.